

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

معنای لغوی کلمه مرصاد در آیه شریفه «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ»

این نکته که اضافه کلمه «رب» به ضمیر خطاب، اشاره دارد باینکه در امت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نیز کفار گرفتار عذاب می‌شوند، در تفاسیر اهل سنت و هم در تفاسیر شیعه وارد شده و گفتیم مثل مرحوم علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) این نکته را پذیرفته، ولی به نظر ما از آیه حتی به نحو تلویح و ایزان، چنین چیزی استفاده نمی‌شود.

برای روشن شدن این مطلب، مقداری پیرامون معنای کلمه «مرصاد» بحث کنیم؛ آیا آیه مربوط به آخرت است و یا مربوط به دنیا و آخرت هر دو است، سرانجام به این مطلب مرحوم علامه یا آلوسی برمی‌گردیم که آیا آیه اشعار به چنین مطلبی دارد یا خیر؟

کلمه «مرصاد» از رَصَد می‌آید، اسم يك مكان است، مرصاد آن مکانی است که «اختص بالترصد» به مکانی که کسی در آنجا ترصد می‌کند را مرصاد می‌گویند، مثل میقات حج، (از وقت) محلی است که تعیین شده تا حاجی آنجا محرم شود، مرصاد نیز محلی است که برای ترصد اختصاص داده شده، انسان در آنجا رصد می‌کند.

البته ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: «المرصاد عند العرب الطريق، الموضع الذي ترصد الناس فيه»^[1] آن موضعی است که در آن موضع، مردم ترصد می‌کنند، مردم می‌ایستند و راست و چپ، بالا و پایین را نگاه می‌کنند و مراقبت می‌کنند. جوهری^[2] «مرصاد» را به خود طریق معنا کرده، طریقی که در آن ترصد بشود، این معانی با یکدیگر قابل جمع است.

احتمالات موجود در معنای آیه شریفه «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ»

با روشن شدن معنای لغوی کلمه مرصاد، در این هنگام ابتدا می‌خواهیم آیه را با قطع نظر از روایات معنا کنیم، آیه چه می‌خواهد بگوید؟ از يك طرف خداوند تبارك و تعالی مکان ندارد تا گفته شود خداوند در مکانی است که رصد می‌کند، همه‌ی عالم محل ترصد خداست، جایی نیست که از رصدگاه خدا خارج باشد، پس خدا مکان ندارد، لذا پیرامون این مطلب روایتی وجود دارد که در تفاسیر هم به آن اشاره شده؛ به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض شد «أین کان ربنا - قبل أن یخلق سماء و أرضا» خدا قبل از اینکه آسمانها و زمین را خلق کند کجا بود؟ «قال: أین سؤال عن مکان و کان الله و لا مکان»، «أین» خودش سؤال از مکان است، خدا بود در حالی که نه زمان و نه مکانی بود، یعنی وجود مکان را برای خداوند تبارك و تعالی نفی می‌کند.

در معنای آیه شریفه دو احتمال داده می‌شود:

احتمال اول: بگوئیم مرصاد يك مكانی است که خدا ترصد می‌کند منتهی از این باب که در يك مكان معین، حساب و کتابها دقیق بررسی می‌شود؟ نه اینکه خداوند مكان دارد بلکه مراد این است که در يك جای معینی خداوند متعال، حساب و کتابهای بسیار دقیق می‌کند لذا آنجا را مرصاد گفته می‌شود.

طبق این معنا از آیه شریفه، پس آیه اختصاص به قیامت پیدا می‌کند «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ» مرصاد یکی از مواقف قیامت است، در این زمینه روایاتی هم وجود دارد البته فعلاً با قطع نظر از روایات می‌خواهیم آیه را معنا کنیم.

پس با این مقدمه که خداوند متعال مكان ندارد، از آن سو همه امور در همه حالات در حال رصد برای خدای تبارك و تعالی است، در نتیجه مرصاد به مكان معینی گفته می‌شود که این ترصد، عملی می‌شود، آشکار می‌شود، در آنجا حساب و کتابها دقیق بررسی می‌شود و به هر انسانی گفته می‌شود تو این کار را کردی، این حق را ضایع کردی، این کار خوب را کردی و از این قبیل مسائل.

احتمال دوم: بگوئیم اصلاً اشاره به مكان معین ندارد بلکه يك تشبیهی در آیه صورت گرفته است؛ از ظاهر عبارت شیخ طوسی «معناه إِنَّ رَبَّكَ يَا مُحَمَّد لَا يَفُوتُهُ شَيْءٌ مِنْ أَعْمَالِ الْعِبَادِ كَمَا لَا يَفُوتُ مَنْ بِالْمُرْصَادِ»^[3] این معنا استفاده می‌شود که بگوئیم همان طوری که کسی در محل مرصاد ایستاده و مراقبت می‌کند، چطور هیچ چیز از او مخفی نمی‌ماند، بعبارتی آن کسی که در يك برجی رصد می‌کند چطور چیزی از او مخفی نمی‌ماند؛ خداوند تو هم ای رسول ما، مثل چنین کسی است، از این رو آیه اصلاً اشاره به مكان معین یا اشاره به رصد خاص و یا اشاره به حسابرسی دقیق نمی‌کند، بلکه آیه اشاره دارد به اینکه خدا «لَا يَفُوتُهُ عَنْهُ شَيْءٌ» یعنی در همین دنیا، همانطوری که گفته می‌شود «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ» خدا علیم است، یعنی هیچ چیز از او مخفی نیست، خدا شاهد است و به همه چیز عالم نظر دارد.

پس يك احتمال این شد که گفته شود مرصاد يك مكان معینی است از این رو آیه منحصر به قیامت می‌شود، و احتمال دیگر این است که آیه در مقام تشبیه باشد، مرصاد جای معینی نیست بلکه اشاره دارد به اینکه خداوند تبارك و تعالی چون در همه حالات ناظر به اعمال عباد است «يَكُونُ كَالْمُرْصَادِ»، این تشبیه است.

دیدگاه علامه طباطبایی و آلوسی در معنای آیه شریفه

ایشان احتمال دوم را اختیار می‌کند، ابتدا می‌فرمایند: «المرصاد المكان الذي يرصد منه ويرقب»، مکانی که از آن مكان مراقبت می‌شود و افرادی نظر می‌کنند، «و كونه تعالى على المرصاد استعارة تمثيلية شبه فيها حفظه تعالى لأعمال عباده بمن يقعد على المرصاد يرقب من يراد رقبه فيأخذ حين يمر به و هو لا يشعر»^[4] این یک استعاره تمثیلیه است و تشبیه شد به کسی که می‌نشیند يك جایی را رصد می‌کند و مراقب است ببیند چه کسی می‌آید و چه کسی می‌رود و آن کسی که رصد می‌شود این مراقب را نمی‌بیند در مرصاد این خصوصیت وجود دارد. تقریباً همان مطلبی است که مرحوم شیخ در کتاب تبیان بیان کرده‌اند.

نظیر این مطلب را آلوسی در روح المعانی دارد می‌گوید (عین کلام علامه است): «و المرصاد المكان الذي يقوم به الرصد و يترقبون فيه مفعال من رصده كالمیقات من وقته. و فی الکلام استعارة تمثيلية شبه كونه تعالى حافظاً لأعمال العصاة على ما روی عن الضحاك»^[5].

نظر برگزیده در معنای آیه شریفه

با قطع نظر از روایات، ظاهر آیه «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ» تشبیه نیست، خدا نمی‌خواهد تشبیه کند که خدا ناظر به اعمال عباد است

و هیچ چیز از او فوت نمی‌شود همان طوری که کسی که در مرصاد رصد می‌کند چطور همه اعمال در نزد او هست، هر چند آیات دیگر که بر شاهد بودن، ناظر بودن و عالم بودن خداوند تبارک و تعالی دلالت دارد این مطلب را دارد، ولی اینجا ظهور در این دارد که مرصاد يك مكان معینی است و خداوند تبارک و تعالی در این آیه هشدار می‌دهد، «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ» یعنی خدای تو در مرصاد به تعبیر ما یقعه‌ی همه انسان‌ها را می‌گیرد، اعمال همه انسان‌ها را آنجا نشان می‌دهد.

به عبارتی «ان ربك لبالمرصاد» اخبار از یک حقیقتی است یعنی خداوند تبارک و تعالی در کمین‌گاه است، و آن دو احتمالی هم که در مباحث گذشته بیان کرده‌ایم که آیه جواب قسم برای آیات پیشین باشد و یا عنوان تعلیل را داشته باشد سپس گفتیم احتمال اول مردود است، حال می‌خواهیم بگوییم اصلاً با تعلیل هم سازگاری ندارد، هر چند در گذشته گفتیم احتمال تعلیل قوی‌تر از آن است ولی این چنین نیست، بلکه عنوان اخباری که مقرون به تهدید است را دارد؛ مثل اینکه يك مسئولی در يك جایی مسئولیت دارد و خبر می‌دهند که دیگران تخلف کرده‌اند و مسئولیت‌شان را انجام نداده‌اند و ما اینها را اخراج کرده‌ایم و بدانید ما مراقب هستیم. این مراقب بودن علت نمی‌شود که ما اینها را اخراج کرده‌ایم بلکه یعنی بدانید خداوند تبارک و تعالی در کمین‌گاه است و هیچ عملی از خدا فوت نمی‌شود و اینها يك روزی به نتیجه خواهد رسید.

از این رو آیه شریفه دلالت ندارد که بگوید در این دنیا، نسبت به این امت یا آن امت، کاری به اینها ندارد بلکه می‌فرماید: خداوند تبارک و تعالی در مرصاد است، طبق این بیان آیه به معنای «لفی المرصاد» است و این ظهور در این دارد که مرصاد به يك مكان معینی گفته می‌شود که در آنجا خداوند تمام محاسبات را دارد، چه اشکالی دارد؟ نه تعلیل برای آیات پیشین و نه جواب برای قسم باشد، بلکه می‌خواهد در دنباله این بگوید: بدانید خدا در مرصاد قرار دارد که حسابرسی دقیق کند.

در نتیجه خود همین قرینه می‌شود که آیه مربوط به يك مکانی در قیامت برای حساب باشد نه اینکه بخواهد بگوید خدا «لا یفوت عنه شیء» و این را به استعاره تمثیلیه به مثل کسی که در مرصاد نشسته تشبیه کند، از کجای آیه تشبیه استفاده می‌شود؟ حال که تشبیه استفاده نمی‌شود مقصود این است که مرصاد ظهور در يك مكان معینی دارد، خدا هشدار می‌دهد تهدید می‌کند که حواس‌تان به مرصاد باشد، آنجا تمام مسائل حسابرسی می‌شود و این هشدار با آیات پیشین نیز «الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ»، «فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ»، «فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ» تناسب دارد.

نکته: در تفاسیر اهل سنت این اختلاف وجود دارد که آیا آیه شریفه مذکور «وَعِيدٌ لِّأَهْلِ الْعَصَاةِ» فقط، یا «وَعِيدٌ لِّلْكَفَّارِ» و یا اینکه آیه هم «وَعِيدٌ» و هم «وَعْدٌ»؟ نظر مختار این است که آیه هم «وَعِيدٌ» و هم «وَعْدٌ» است، هم آنهایی که کار بدی از ظلم و کفر می‌کنند و هم آنهایی که کار خوبی می‌کنند، بدانند جایی به نام مرصاد وجود دارد که تمام اینها بررسی می‌شود.

روایات وارده در ذیل آیه شریفه

بعد از بیان احتمالات آیه، در ذیل آیه شریفه روایاتی وارد شده که به این صورت است:

روایت اول: از امام صادق (علیه السلام) است که حضرت فرمود: «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ قَالَ قَنْطَرَةٌ عَلَى الصِّرَاطِ» جای معین و پلی روی صراط است، «لَا يَجُوزُهَا عَبْدٌ بِمَظْلَمَةٍ»^[6] انسانی که ظلمی کرده باشد حالا این ظلم فقط حق الناس نیست، انسانی که مظلومه دارد یعنی «حق الله و یا «حق الناس» بر عهده‌اش است نمی‌تواند از این عبور کند.

روایت دوم: از امیرالمؤمنین (علیه السلام) که می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَجْزِيَ أَهْلَ الْمَعَاصِي جَزَاءَهُمْ»^[7] خداوند تبارک و تعالی قادر است که اهل معاصی را جزائشان را بدهد.

مرحوم علامه و آلوسی که می‌گویند: آیه اشعار دارد به اینکه همان طوری که قوم فرعون را به خاطر طغیان و فسادشان عذاب کرد، خدا می‌خواهد بگوید امت تو هم اگر طغیان کنند گرفتار عذاب می‌شوند، بر اساس این معنا می‌گویند: کلام امیرالمؤمنین ظهور در همین دنیا دارد و در این دنیا عذاب می‌شوند، زیرا در آخرت که مسلم اهل معصیت عقاب می‌شوند.

روایت سوم: جابر از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند امام باقر (علیه السلام) فرموده: «أَنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِذَا وَقَفَ الْخَلَائِقُ وَ جَمَعَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ أُتِيَ بِجَهَنَّمَ تُقَادُ بِأَلْفِ زِمَامٍ»، جهنم را می‌آورند هزار زمام دارد «أَخَذَ بِكُلِّ زِمَامٍ مِائَةَ أَلْفٍ مَلَكٌ» هر زمامی از این ازمه جهنم را هزار ملک گرفته «مِنَ الْغِلَاطِ الشَّدَادِ وَ لَهَا» برای این جهنم «هَدَّةٌ وَ تَحْطُّمٌ وَ زَفِيرٌ وَ شَهيقٌ وَ إِنَّهَا لَتَزْفِرُ الزُّفْرَةَ» دائماً در حال خروش است به این معنا که آتش جهنم ثابت و راکد نیست بلکه دائماً در حال فوران است.

در ادامه می‌فرمایند: «فَلَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَخْرَجَهَا إِلَى الْحِسَابِ لَأَهْلَكَتِ الْجَمِيعَ» یعنی این جهنم طوری است که اگر خدا اراده نکند و به جهنم دستور ندهد به اینکه بعداً مجرمین را هلاک کند، در همان آن و لحظه، همه را از بین می‌برد، ولی خدا دستور داده که حتّی مجرمین، حساب و کتاب شوند و بعد از آن عذاب شوند «ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْهَا عَنْقٌ يَحِيطُ بِالْخَلَائِقِ» از همین جهنمی که دائماً در حال فوران است یک شاخه‌ی بزرگی بیرون می‌آید همه خلائق را در بر می‌گیرد «الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ» هم برّ و هم فاجر را. (این روایت نیز اشاره به آیه شریفه «إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» دارد و يك نوعی از کیفیت ورود به جهنم را بیان می‌کند) «فَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ مَلَكٌ وَ لَا نَبِيًّا إِلَّا وَ يَنَادِي يَا رَبِّ نَفْسِي نَفْسِي» وقتی آتش همه خلائق را احاطه می‌کند، یعنی هیچ مخلوقی نیست اعم از ملك و غير ملك، غير ملك پیامبر و غير پیامبر همه فریاد می‌زنند و متوسل به خداوند تبارک و تعالی می‌شوند و همه به فکر خودشان هستند. بعد خدا به پیامبر می‌فرماید «وَ أَنْتَ تَقُولُ يَا رَبِّ أُمَّتِي أُمَّتِي»، «ثُمَّ يَوْضَعُ عَلَيْهَا صِرَاطٌ» روی این جهنم صراطی قرار داده می‌شود، «أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَ أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ عَلَيْهِ» از مو باریک‌تر و از شمشیر تیزتر، «ثَلَاثُ قَنَاطِرٍ الْأُولَى عَلَيْهَا الْأَمَانَةُ وَ الرَّحْمَةُ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَ الثَّالِثَةُ عَلَيْهَا رَبُّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ فَيَكْلِفُونَ الْمَمَرَّ عَلَيْهَا فَتَحْسِبُهُمُ الرَّحْمَةُ وَ الْأَمَانَةُ»، خدا به همه خلائق امر می‌کند که از او عبور کنند در این هنگام آن کسی که امانت‌داری نکرده صله رحم نکرده، در همان موقف اول می‌ماند، «فَإِنْ نَجَوْا مِنْهَا حَبَسَتْهُمْ الصَّلَاةُ» اگر از آن موقف نجات پیدا کرد نماز او را نگه می‌دارد «فَإِنْ نَجَوْا مِنْهَا كَانَ الْمُنْتَهَى إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ ذِكْرُهُ» و اگر از آن موقف نجات پیدا کرد در این هنگام به سمت بهشت می‌رود.

شاهد بر مورد بحث، این قسمت از روایت است که بعد از بیان این خصوصیات، امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ^[18] مرصادی که خدا می‌گوید این است، و این ظهور در انحصار دارد و از باب جری و تطبیق نمی‌توان شمرد تا گفته شود یکی از مصادیق آن مرصاد است. در ضمن در این روایت امام باقر نفرموده‌اند که «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ» یعنی در این دنیا مراقبت می‌کند یا در این دنیا اینها را جزا می‌دهد، بلکه خود مرصاد يك مكان معینی در جهنم و صراط است، همان «قَنْطَرَةٌ عَلَى الصِّرَاطِ» که امام صادق (علیه السلام) فرمود، در اینجا نیز قابل تطبیق است.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1] □ ج3، ص: 178.

[2] □ الصحاح، ج2، ص: 474

[3] □ التبيان في تفسير القرآن ج 10 ص 343.

[4] □ قوله تعالى: «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ» المرصاد المكان الذي يرصد منه ويرقب و كونه تعالى على المرصاد استعارة تمثيلية شبه فيها حفظه تعالى لأعمال عباده بمن يقعد على المرصاد يرقب من يراد رقبه فيأخذه حين يمر به و هو لا يشعر فآله سبحانه رقيب يرقب أعمال عباده حتى إذا طغوا و أكثروا الفساد أخذهم بأشد العذاب. الميزان في تفسير القرآن ج 20 ص 281

[5] □ «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ» تعليل لما قبله و إيدان بأن كفار قومه صلى الله عليه و سلم سيصيبهم مثل ما أصاب أضرابهم

المذكورين من العذاب كما ينبيء عنه التعرض لعنوان الربوبية مع الإضافة إلى ضميره عليه الصلاة والسلام، والمرصاد المكان الذى يقوم به الرصد و يترقبون فيه مفعال من رصده كالميقات من وقته. و فى الكلام استعارة تمثيلية شبه كونه تعالى حافظا لأعمال العصاة على ما روى عن الضحاك مترقبا لها و مجازيا على نقيرها و قطميرها بحيث لا ينجو منه سبحانه أحد منهم بحال من قعد على الطريق مترصدا لمن يسلكها ليأخذه فيوقع به ما يريد، ثم أطلق لفظ أحدهما على الآخر و الآية على هذا وعيد للعصاة مطلقا. و قيل: هى وعيد للكفرة و قيل: وعيد للعصاة و وعد لغيرهم و هو ظاهر قول الحسن، أى يرصد سبحانه أعمال بنى آدم. و جوز ابن عطية كون المرصاد صيغة مبالغة كالمطعام و المطعان، و تعقبه أبو حيان بأنه لو كان كما زعم لم تدخل الباء لأنها ليست فى مكان دخولها لا زائدة و لا غير زائدة، و أجيب بأنها على ذلك تجريدية نعم يلزمه إطلاق المرصاد على الله عز و جل و فيه شىء.» روح المعاني فى تفسير القرآن العظيم ج15 ، ص: 340.

[6] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ قَالَ قَنْطَرَةٌ عَلَى الصِّرَاطِ لَا يَجُوزُهَا عَبْدٌ بِمَظْلِمَةٍ وَسَائِلِ الشَّيْعَةِ؛ ج16، ص: 47.

[7] مِرَاةُ الْعُقُولِ فِي شَرْحِ أَخْبَارِ آلِ الرَّسُولِ؛ ج10، ص: 296.

[8] «عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص أَخْبَرَنِي الرُّوحُ الْأَمِينُ أَنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِذَا وَقَفَ الْخَلَائِقُ وَ جَمَعَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ أَتَى بِجَهَنَّمَ تُقَادُ بِأَلْفِ زِمَامٍ أَخَذَ بِكُلِّ زِمَامٍ مِائَةَ أَلْفٍ مَلَكٍ مِنَ الْغَلَاطِ الشَّدَادِ وَ لَهَا هَدَّةٌ وَ تَحْطُمُ وَ زَفِيرٌ وَ شَهيقٌ وَ إِنَّهَا لَتَزْفَرُ الزَّفَرَةَ فَلَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَخْرَهَا إِلَى الْحِسَابِ لَأَهْلَكَتِ الْجَمِيعَ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْهَا عُنُقٌ يَحِيطُ بِالْخَلَائِقِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ فَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ مَلَكٌ وَ لَا نَبِيٌّ إِلَّا وَ يَنَادِي يَا رَبِّ نَفْسِي نَفْسِي وَ أَنْتَ تَقُولُ يَا رَبِّ أُمَّتِي أُمَّتِي ثُمَّ يَوْضَعُ عَلَيْهَا صِرَاطٌ أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَ أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ عَلَيْهِ ثَلَاثُ قَنَاطِرٍ الْأُولَى عَلَيْهَا الْأَمَانَةُ وَ الرَّحْمَةُ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَ الثَّالِثَةُ عَلَيْهَا رَبُّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ فَيَكْلِفُونَ الْمَمَرَ عَلَيْهَا فَتَحْبِسُهُمُ الرَّحْمَةُ وَ الْأَمَانَةُ فَإِنْ نَجَوْا مِنْهَا حَبَسَتْهُمْ الصَّلَاةُ فَإِنْ نَجَوْا مِنْهَا كَانَ الْمُنْتَهَى إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ وَ النَّاسُ عَلَى الصِّرَاطِ فَمُتَعَلِّقٌ تَزِلُّ قَدَمُهُ وَ تَثْبُتُ قَدَمُهُ وَ الْمَلَائِكَةُ حَوْلَهَا يَنَادُونَ يَا كَرِيمُ يَا حَلِيمُ اعْفُ وَ اصْفَحْ وَ عُدْ بِفَضْلِكَ وَ سَلِّمْ وَ النَّاسُ يَتَهَايَفُونَ فِيهَا كَالْفَرَّاشِ» الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج8، ص: 312